

فصل اول - تعاریف و کلیات حقوق جزای عمومی

(موضوع مواد ۱ و ۲ ق.م.ا و قوانین خاص مرتبط)

مبحث اول: کلیات

در هر جامعه‌ای، نظام حاکم برای برقراری نظم و امنیت عمومی و اجتماعی، مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها را تعریف می‌نماید و متعاقباً حاکمیت با وضع مقررات کیفری، رفتاری را که مغایر با این هنجارها و ارزش‌ها در جامعه ارتکاب یابد، جرم‌انگاری می‌نماید و این رفتارها با واکنش اجتماعی به عنوان «ضمانت اجرا» مواجه می‌شوند و این ضمانت اجرا باید در قالب «قانون» بیان گردد و نقض این قانون تحت عنوان «جرم»، موجب اعمال «مجازات» خواهد بود. بنابراین «جرم‌انگاری» به معنای جرم تلقی کردن قانونی رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل است که به موجب قوانین جزایی مشمول مجازات می‌گردد. در قوانین جزایی و کیفری ایران، محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و این قوانین جزایی، درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.^۱

با وقوع جرم، شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد، «بزه‌دیده» نامیده می‌شود و چنانچه بزه‌دیده، تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.^۲ با این وصف، در «قانون مجازات اسلامی»، جرائم، مجازات‌ها، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آن‌ها به صورت قواعد کلی و مشترک بیان می‌گردد^۳ و در «قانون آیین دادرسی کیفری» مقررات و قواعدی برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.^۴

بند اول - موارد شمول قانون مجازات اسلامی طبق ماده (۱) ق.م.ا

ماده (۱) قانون مجازات اسلامی، موارد شمول قانون مجازات را با این مضمون که «قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آن‌ها است» بیان می‌دارد. بنابراین طبق این ماده، قانون مجازات اسلامی بیانگر موارد زیر است:

۱. جرائم؛
۲. مجازات‌ها؛
۳. اقدامات تأمینی و تربیتی؛
۴. شرایط مسئولیت کیفری؛
۵. موانع مسئولیت کیفری؛

۱. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲. ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۳. ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۴. ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۶. قواعد حاکم بر جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و شرایط و موانع مسئولیت کیفری.
بنابراین در ذیل به بررسی هریک از این موارد می‌پردازیم:

۱. جرائم

در هنگام تصویب قوانین جزایی، تعریف جرم، جزء جدانشدنی قوانین جزایی است و این التزام، ناشی از اجرای اصل قانونی بودن جرم، به عنوان یکی از اصول تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی است.^۱ براساس این اصل تا زمانی که قانونگذار رفتاری را جرم‌انگاری نکرده باشد، انجام آن رفتار توسط شهروندان در چهارچوب «اصل ایاحه»^۲ مجاز خواهد بود.

در اصطلاح حقوقی، نخست باید دید طبق تعریف قانون مجازات اسلامی از «جرم» در ماده (۲) ق.م.ا، چه رفتاری جرم محسوب می‌شود و براساس چه شرایط و اوضاع و احوالی، هر رفتار مجرمانه، مشمول کدام عنوان مجرمانه خاص می‌گردد. طبق این ماده، «جرم هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد.» بنابراین در یک تقسیم‌بندی از جرائم، می‌توان گفت، جرائم گاهی «جرائم علیه اشخاص» هستند؛ مانند جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد همچون قتل یا قطع عضو دیگری و یا سایر جرائم تعزیری همچون توهین. گاهی «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی» هستند؛ مانند جرائم علیه امنیت ملی کشور یا جرائمی مثل جعل یا ارتشاء که امنیت یا اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند و گاهی «جرائم علیه اموال و مالکیت» هستند؛ مانند کلاهبرداری، سرقت، خیانت‌درامانت.

۲. مجازات‌ها

«مجازات»، ضمانت اجرای رفتار مجرمانه است و در واقع پاسخی است که مجرم در قبال ارتکاب جرم دریافت می‌کند. بنابراین، پس از این که قانونگذار اقدام به جرم‌انگاری رفتاری نمود و رفتاری را اعم از فعل یا ترک فعل، جرم دانست و برای آن عنوان مجرمانه خاصی تعیین کرد، به موجب همان قانون، مشخص می‌کند که چه مجازاتی (از لحاظ نوع یا میزان) برای هر جرمی مقرر گردد. براساس طبقه‌بندی قانونی، مجازات‌ها در یک دسته‌بندی کلی بر سه نوع «مجازات اصلی»، «مجازات تکمیلی» و «مجازات تبعی» تقسیم می‌شوند.

«مجازات اصلی» همان مجازاتی است که در قوانین و مقررات جزایی، برای جرائم در نظر گرفته می‌شود. افزون بر مجازات اصلی، قانونگذار این اختیار را به قاضی دادگاه داده است تا متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب، طبق قانون، بر مرتکب، «مجازات تکمیلی» را بار کند. همچنین قانونگذار علاوه بر مجازات اصلی و تکمیلی، در برخی محکومیت‌های کیفری نیز قائل به اعمال «مجازات تبعی» با ماهیت محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت اتوماتیک و ار نسبت به محکوم گردیده است.

مجازات‌های تکمیلی و تبعی، مجازات‌هایی هستند که به حکم قانون یا دادگاه با مجازات اصلی جمع می‌گردند و حسب مورد یا در تکمیل مجازات اصلی، در حکم محکومیت قید می‌گردد (مجازات تکمیلی) یا به تبع محکومیت اصلی و بدون نیاز به قید در حکم محکومیت، محکوم را برای مدتی از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید (مجازات تبعی). «مجازات‌های اصلی» از حیث نوع مجازات، چهار دسته‌اند:

در دسته اول، جرائم ممکن است از نوع «جرم حدی» و مستوجب مجازات حدی باشند. جرم حدی، جرمی است که «نوع»، «میزان»، «موجب» و «کیفیت اجرای آن» در شرع مقدس تعیین شده است. مجازات‌های حدی ممکن است از نوع حدی قتل (اعدام یا زجر یا صلب) یا حدی جلد (شلاق) یا قطع عضو یا حبس ابد یا تبعید باشند. مانند جرم حدی «زنا ساده» که مجازات آن صد ضربه شلاق حدی است، یا مانند جرم حدی «سب النبی» که مجازات آن حدی قتل (اعدام) است.

۱. میلانی، علیرضا، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، ص ۷۲.

۲. «اصل ایاحه»، بدان معناست که شارع یا مقنن انجام یا عدم انجام کاری را جایز دانسته‌اند و بنابراین هیچ‌گونه سرزنش یا نکوهشی متوجه شخصی که مرتکب آن فعل یا ترک فعل شده است نمی‌شود.

در دسته دوم، جرائم ممکن است از نوع «جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی» باشند؛ به معنی آسیب‌هایی که مرتکب عمداً بر نفس، عضو یا منفعت دیگری وارد می‌آورد و در این حالت، مرتکب را «جانی» و بزه‌دهنده را «مَجْنی علیه» می‌نامند و مجازات اصلی این جنایات عمدی، از نوع «قصاص» است. بدین معنا که همان رفتاری که جانی نسبت به مجنی علیه مرتکب شده است، نسبت به خودش اجرا می‌شود.

در دسته سوم، جرائم ممکن است از نوع «جنایات غیر عمدی و یا جنایات عمدی که امکان قصاص در آن‌ها وجود ندارد» باشند. در این موارد مجازات مرتکب، از نوع «دیه» خواهد بود؛ بدین معنا که در لای آسیمی که جانی بر مجنی علیه وارد نموده است، باید مقدار معینی مال به مجنی علیه بدهد که به آن در اصطلاح عام، «خون‌بها» نیز می‌گویند. در این صورت، مالی که به عنوان دیه باید پرداخت شود دو حالت دارد؛ یا مقدار آن از قبل معین شده است که به آن «دیه مُقَدَّر» می‌گویند، یا میزان آن از قبل تعیین نشده است که به آن «دیه غیر مُقَدَّر» یا «أَرش» می‌گویند که با جلب نظر کارشناس تعیین می‌گردد.

در دسته چهارم، جرم ممکن است از «جرائم تعزیری» باشد که موجب مجازات تعزیری است و طبق تعریف قانون، مجازات تعزیری مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مُحَرَّمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود.

۳. اقدامات تأمینی و تربیتی

«اقدامات تأمینی و تربیتی»، واکنش‌هایی خفیف‌تر از مجازات، با ماهیت پیشگیرانه بوده و بیشتر جنبه اصلاحی و تربیتی داشته و هدف اصلی در اعمال آن بازاجتماعی کردن و بازسازگار کردن مرتکب نسبت به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی است. جایگاه اقدامات تأمینی و تربیتی در قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) با تغییرات زیادی همراه بوده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲) با نسخ قانون اقدامات تأمینی مصوب (۱۳۳۹) صراحتاً در مواد (۸۸) تا (۹۵) راجع به اطفال و نوجوانان بزه‌کار و در ماده (۱۵۰) ق.م.ا، راجع به مجانین، اقدامات تأمینی و تربیتی را پذیرفته است و می‌توان گفت ماهیت بسیاری از مجازات‌های تکمیلی و مجازات تبعی نیز به‌نوعی، اقدام تأمینی و تربیتی محسوب می‌شود.

۴. شرایط مسئولیت کیفری

مقصود از «مسئولیت کیفری»، توانایی به دوش کشیدن اثر و نتیجه رفتار مجرمانه توسط خود شخص مرتکب است؛ یعنی زمانی که فردی، مرتکب جرمی می‌شود باید طبق قانون در زمان ارتکاب جرم دارای شرایطی باشد تا بتواند مخاطب امر و نهی قانونگذار قرار گیرد و بتوان مجازات قانونی را بر او تحمیل کرد. زمانی که رفتاری محقق می‌شود که از نظر تعریف قانونی جرم محسوب می‌گردد، دو حالت در مورد مرتکب متصور است: یا مرتکب، دارای مسئولیت کیفری است یا فاقد مسئولیت کیفری است. بنابراین اشخاص، از جهت مسئولیت کیفری، به دو گروه «اشخاص دارای مسئولیت کیفری» و «اشخاص فاقد مسئولیت کیفری» تقسیم می‌شوند. در قانون مجازات اسلامی در ماده (۱۴۰)، بیان شده است که در چه شرایطی، مرتکب، مسئول آثار و نتایج رفتار ارتكابی است و تحت چه شرایطی مستحق مجازات می‌باشد.

طبق این ماده، شرایط عمومی مسئولیت کیفری و به تبع آن استحقاق مجازات، وجود عقل، بلوغ و اختیار در زمان ارتکاب رفتار مجرمانه است که در صورت احراز شرایط مسئولیت کیفری در حین ارتکاب جرم، مرتکب مجازات خواهد شد؛ بدین معنا که مرتکب در صورتی به علت ارتکاب جرم دارای مسئولیت کیفری است و قابل مجازات است که در زمان ارتکاب، عاقل، بالغ و مختار باشد. باید دقت داشت که در قانون مجازات اسلامی، در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرمی شود.

تا زمانی که مرتکب رفتار مجرمانه، واجد قابلیت اسناد و انتساب نباشد و مسئولیت کیفری نداشته باشد، امکان مجازاتش نیز وجود نخواهد داشت؛ بنابراین علی‌الاصول مجازات را می‌توان نتیجه وجود شرایط مسئولیت کیفری دانست و مسئولیت کیفری را نتیجه تحقق مجرمیت و قابلیت اسناد دانست. منظور از «مُجَرِّمیت» انجام رفتارهایی است که طبق قانون جرم بوده

۵. موانع مسئولیت کیفری

در قانون مجازات اسلامی، مواد (۱۴۶) تا (۱۵۹) این قانون، به موانع مسئولیت کیفری اختصاص دارد و عللی همچون جنون یا عدم بلوغ یا اشتباه یا اکراه و.... به عنوان موانع مسئولیت کیفری بیان شده است که طبق هریک از این موارد می توان مشخص کرد که تحت چه شرایطی مرتکب رفتار مجرمانه دیگر قابل مجازات نیست؛ به عبارت دیگر مرتکب با این که رفتاری انجام داده که طبق قانون جرم محسوب می شود، در برخی شرایط خاص، به تصریح قانونگذار، یا عللی شخصی محقق می شود که موجب زوال رکن روانی و در نتیجه رفع مسئولیت کیفری از مرتکب می گردد (علل رافع مسئولیت کیفری)، یا عواملی نوعی حادث می شود که موجب توجیه ارتکاب جرم در شرایط خاص می شود و در نتیجه موجب زوال رکن قانونی عمل ارتكابی شده و به دلیل ایحای رفتار در این شرایط، مرتکب دیگر قابل مجازات نخواهد بود (علل موجهه یا ایحایه).

ع قواعد حاکم بر جرائم و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی و شرایط و موانع مسئولیت کیفری قواعد حاکم، اصولاً همان قواعد عام و مشترکی است که به تعریف و تبیین جرم و وصف مجرمانه رفتار و شرایط مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و علل تشدید یا تخفیف مجازات و مسئولیت جزایی و نهادهای ارفاقی و شرایط اعمال آن‌ها می‌پردازد.^۱

بند دوم- منابع حقوق جزا

حقوق جزا که متشکل از قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین جزایی (قوانین خاص) است، اصولاً از دو منبع اصلی و تکمیلی نشأت می‌گیرد. منابع حقوق جزا مواردی است که حقوق جزا به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد و این منابع در ایران به دو دسته «منابع اصلی یا استنادی» و «منابع فرعی یا استدلالی» تقسیم می‌شوند که عبارتند از:^۲

١. منابع الزامی یا اصلی یا مستقیم

الف. اولین منبع اصلی در حقوق جزا «قانون»^۲ است:

حرم تلقی کردن عمل، نیاز به تصریح مُقنن دارد و قانون اعم از قانون اساسی و قوانین عادی از منابع اصلی حقوق جزا هستند. در وهله اول «قانون اساسی» به عنوان یکی از منابع اصلی حقوق جزاست که مبین نهاد‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است و تعیین‌کننده نظام حاکم بوده و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است و به عنوان قانون مادر، هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. در اصول متعددی از قانون اساسی، قانونگذار به بیان قواعد جزایی پرداخته است؛ برخی از این اصول به شرح زیر هستند:

۱. دکتر رضا نورپناه، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۳-۱۴

۲. دکتر رضا نورپنا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص: ۳۰-۳۵؛ دکتر محمد علم اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج۱، ص: ۱۸۵.

۱) مراحل و ضوابط اعلام آلودگی: ۸- تصفیه، ۷- انتقال به مراکز دفع، ۶- احداث دفن، ۵- کشت و جوشاندن، ۴- انتشار قانون و اجرای آن.

طبق اصل چهارم، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

طبق اصل هشتم، در اهمیت بیان حق امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌دارد که در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

طبق اصل بیست و دوم، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض، مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

طبق اصل بیست و سوم، تقییس عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

طبق اصل بیست و چهارم، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مُخِل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

طبق اصل بیست و پنجم؛ بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مُخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

طبق اصل بیست و ششم، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

طبق اصل سی و دوم؛ هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تهییم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مُقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

طبق اصل سی و سوم؛ هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

طبق اصل سی و چهارم، دادخواهی حق مُسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

طبق اصل سی و ششم، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. طبق اصل سی و هفتم، اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

طبق اصل سی و نهم، هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

طبق اصل هفتاد و سوم، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست.

در وهله دوم قوانین عادی قرار دارند که دربرگیرنده قوانین جزایی عام و خاص است، اعم از قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی.

پ. واژه «مجازات» در تعریف جرم:

«مجازات» مابه‌ازای ارتکاب جرم و ضمانت اجرای تخلف از بایدها و نبایدهای قانونگذار است. بنابراین در صورتی رفتاری جرم محسوب می‌شود که به علت ارتکاب آن رفتار مجرمانه، در قانون، مجازات تعیین شده باشد. دقت داشته باشید در تعریف از جرم طبق قانون مجازات اسلامی، از اقدامات تأمینی و تربیتی سخنی گفته نشده و فقط از واژه «مجازات» استفاده شده است.

ت. رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات در تعریف جرم:

طبق «اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، جرائم، مجازات‌ها و کیفیات آن‌ها در لای اصل فوق می‌بایست از قبل در قانون پیش‌بینی شده باشد. براین اساس ماده (۲) ق.م.ا، در تعریف جرم به عنوان مفهوم خاص اصل قانونی بودن، بیانگر این است که، هیچ عملی جرم نیست، مگر به موجب قانون و هیچ مجازاتی اعمال نمی‌شود، مگر به موجب قانون.^۱

۲. بررسی سایر قوانین در خصوص تعریف و اجزای جرم

طبق ماده (۱۸) آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت، تعریف جرم متفاوت بوده و طبق این قانون؛ هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جرم محسوب می‌شود.^۲

طبق ماده (۸) ق.آ.د.ک، محکومیت به کیفر، فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف. حیثیت عمومی: از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلاق در نظم عمومی؛

ب. حیثیت خصوصی: از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین؛

همچنین طبق ماده (۹) ق.آ.د.ک، ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف. دعوای عمومی: اقامه دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی است.

ب. دعوای خصوصی: اقامه دعوای خصوصی، برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی است که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است؛ مانند حد قذف و قصاص (ارتکاب جرم ممکن است موجب طرح دعوای خصوصی بشود یا نشود و عبارت «می‌تواند» در صدر ماده بیانگر همین امر است).

۳. ارکان تشکیل‌دهنده جرم

هر جرمی از سه رکن قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای این که مرتکبی به علت ارتکاب جرم قابل مجازات باشد، باید وجود هر سه رکن، به‌طور هم‌زمان و متعارف با هم برای مرجع قضایی احراز شود^۳ و هرکدام از این عناصر وجود نداشته باشد، جرم محقق نمی‌شود، شرح این ارکان عبارت است از:

الف. رکن قانونی

برای آن که رفتاری جرم محسوب شود و متعاقب آن بتوان مرتکب آن رفتار را مجازات کرد نیاز به تصریح قانونی داریم بدین معنا که، اصولاً باید در متن قانون فعل یا ترک فعلی (رفتار مجرمانه) به عنوان جرم پیش‌بینی شده باشد تا بتوان مرتکب را براساس آن مجازات کرد و بدون وجود رکن قانونی، مجازات مرتکب امکان‌پذیر نخواهد بود، بنابراین ممکن است رفتاری برخلاف اخلاق باشد، لکن به علت عدم جرم‌انگاری در قانون، نتوان مرتکب آن را مجرم و مستحق مجازات دانست.

«رکن قانونی» که در واقع زیربنای عنصر مادی و روانی بوده و در طول این دو عنصر قرار دارد به این معناست که هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل زمانی جرم و قابل مجازات خواهد بود که توصیف مجرمانه این رفتار ارتكابی، طبق قانونی که قبل از وقوع جرم، تصویب و لازم‌الاجرا شده است، به عنوان یک رفتار مجرمانه، جرم‌انگاری شده باشد. به بیان ساده‌تر

۱. دکتر محمدابراهیم شمس نائری و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج ۱، ص ۲۰.

۲. به واژه‌های متفاوت در این تعریف با تعریف جرم مندرج در ماده (۲) ق.م.ا دقت کنید.

۳. دکتر حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه اموال و مالکیت، ص ۵۷.

«عنصر قانونی» به معنای پیش‌بینی فعل یا ترک فعل به عنوان مجرمانه خاص در قانون است. بنابراین اگر فردی مرتکب رفتاری شود که هنوز در قانون، جرم‌انگاری نشده باشد، لکن پس از انجام آن رفتار، مدتی بعد قانونی تصویب شود و عمل سابق فرد را جرم‌انگاری نماید و برای آن مجازات تعیین کند، آن عمل سابق، طبق قانون جدید، جرم محسوب نمی‌شود و آن فرد به خاطر ارتکاب رفتاری که قبل از تصویب قانون مرتکب شده و در زمان ارتکاب، جرم نبوده، قابل مجازات نیست و به همین خاطر است که طبق اصل (۱۶۹) ق.ا، هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود و این اصل قانون اساسی بر زمان ارتکاب رفتار تأکید دارد و برای مجرم شناختن مرتکب، باید به زمان وقوع رفتار دقت کنیم که آیا در زمان وقوع این رفتار، قانونی مبنی بر جرم بودن این رفتار تصویب شده است یا خیر و اگر قبل از تصویب قانون و قبل از جرم‌انگاری رفتار بوده است، جرم و قابل مجازات نخواهد بود و اگر بعد از تصویب قانون و پس از جرم‌انگاری رفتار بوده است، با رعایت شرایط مسئولیت کیفری، رفتار ارتكابی جرم و قابل مجازات خواهد بود.

ب. رکن مادی

«رکن مادی جرم»، گذر از قصد و اندیشه مجرمانه و به فعلیت رساندن قصد ذهنی مرتکب است؛ بدین معنا که برای تحقق جرم مرتکب پس از این که قصد ارتکاب جرم را در ذهن خود پروراند، وارد عملیات اجرایی جرم شده و اندیشه مجرمانه‌اش یا همان خطای جزایی‌اش در عالم واقع بروز خارجی داشته باشد و ملموس و محسوس باشد.^۱ بنابراین طبق تعریف جرم در قانون مجازات، جرم «هر رفتاری است اعم از فعل یا ترک فعل» که در قانون برای آن با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، مجازات تعیین شده باشد. (فعل و ترک فعل فقط مصادیقی از رفتار به شمار می‌روند). به عبارت دیگر رکن مادی، ارتکاب رفتارهایی است که براساس قانون جرم‌انگاری شده است و در عالم واقع، توسط مرتکب محقق گردیده است. بنابراین، رکن مادی در هر جرم، از سه جزء تشکیل می‌گردد:

۱. رفتار مجرمانه؛

۲. شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جرم؛

۳. نتیجه؛

که در ذیل به بررسی و تشریح هریک از این اجزاء خواهیم پرداخت:^۲

۱. رفتار مجرمانه

اولین جزء از اجزای رکن مادی، «رفتار مجرمانه یا رفتار فیزیکی در جرم» است که بسته به نوع جرم ارتكابی می‌تواند حسب مورد، به صورت فعل مثبت، ترک فعل، فعل ناشی از ترک فعل، حالت یا حمل و نگهداری باشد. برای مثال «ربایش مال» متعلق به غیر، رکن مادی در جرم سرقت است؛ یعنی برای تحقق رفتار مجرمانه در سرقت، باید ربودن مال محقق شود. همچنین رکن مادی در جرم جعل عبارت از ساختن یا تغییر دادن اسناد یا امضا و مهر و ... به قصد تقلب است. بنابراین رکن مادی در جرائم مختلف، متفاوت بوده و بیانگر فعل یا ترک فعلی است که در جریان ارتکاب جرم محقق می‌شود و یک عنوان مجرمانه خاص را می‌سازد.

۲. شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جرم

دومین جزء از اجزای رکن مادی، «شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جرم» است، به این معنا که هر رفتار مجرمانه‌ای در چه شرایط و اوضاع و احوالی مشمول چه عنوان مجرمانه خاصی می‌شود. برای مثال در جرم کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه و اغفال قربانی از شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم است و برای تحقق این جرم نوع وسیله یعنی متقلبانه بودن وسیله ارتكابی، موضوعیت دارد.

۱. دکتر حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه اموال و مالکیت، ص ۵۷؛ دکتر محمدابراهیم شمس نائری و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج ۱، ص ۲۲.

۲. دکتر رضا نورپنا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۶۲.

۳. دکتر محمدعلی اردبیلی، حق، حاکم، عیب، ص ۳۰۱.

هم‌چنین در مثال دیگر، برای تحقق جرائم اختلاس یا ارتشاء یا جرم تصرف غیرقانونی در اموال دولت، مرتکب جرم حتماً باید کارمند دولت یا ارائه دهنده خدمات عمومی وسیع باشد، بنابراین، این شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق این جرائم لازم است. در مثال دیگر می‌توان به جرم سرقت اشاره کرد که عبارت است از ربایش مال متعلق به غیر و از شرایط و اوضاع و احوال تحقق جرم سرقت این است که مال ربوده شده حتماً «متعلق به دیگری باشد». هم‌چنین گاهی مکان یا زمان وقوع جرم به عنوان شرایط و اوضاع و احوال در تحقق جرم موضوعیت می‌یابد، مانند آن که برای تحقق جرم ایجاد مزاحمت برای زنان و اطفال در ماده (۶۱۹) تعزیرات، ارتکاب رفتار توهین‌آمیز یا مزاحمت باید در اماکن و معابر عمومی باشد و محل ارتکاب جرم در این جرم اهمیت پیدا می‌کند. هم‌چنین در خصوص زمان ارتکاب جرم می‌توان به روزه‌خواری اشاره کرد که زمان تحقق آن ماه رمضان است. همین شرایط و اوضاع و احوال گاهی برای تشدید مجازات مؤثر واقع می‌شود، یعنی در شرایط خاصی که قانونگذار به آن تصریح کرده است، در بعضی جرائم خاص، موجب تشدید مجازات می‌گردد. برای مثال، در جرم احراق و تخریب اگر کسی عمداً مرتکب آتش‌زدن یا تخریب مالی متعلق به دیگری شود، عملش جرم و قابل مجازات است، لکن اگر همین فرد با «مواد منفجره» مرتکب تخریب یا احراق گردد، مجازاتش افزایش می‌یابد. مثال دیگر برای سرقت است که ربودن مال متعلق به دیگری سرقت بوده و قابل مجازات است، لکن چنانچه در «سلب» محقق شود، زمان ارتکاب جرم، موجب تشدید مجازات می‌گردد. هم‌چنین سلب حیات عمدی از یک انسان زنده مَحْقُونُ الدَّمِّ که مشمول تعریف قتل عمدی است در هر حال جرم و قابل مجازات است، لکن چنانچه جرم قتل در زمان‌های خاص مثل «ماه‌های حرام»^۱ یا در مکان‌های خاص مثل «حرم مکه مکرمه» واقع شود موجب تغلیظ دیه^۲ خواهد بود.

۳. نتیجه رفتار مجرمانه

سومین جزء از اجزای رکن مادی، «نتیجه» است و به نوعی بیانگر شرط احراز رابطه علیت بین رفتار مجرمانه با نتیجه حاصله است. «نتیجه»، فقط در جرائمی که تحقق آن «مُقَيَّد به نتیجه» است شرط می‌باشد و در جرائم مطلق، برای تحقق جرم، نیازی به نتیجه نیست. جرائم مُقَيَّد آنی به آن می‌پردازیم، جرائمی هستند که تحقق آن‌ها منوط به تحقق نتیجه است، برای مثال برای این که بر جنایت ارتكایی، عنوان «قتل» بار شود، باید نتیجه آن یعنی «سلب حیات»^۳ محقق شود. هم‌چنین در صورتی بر توشل به وسایل مُقْتَلَبانه و اغفال قربانی، عنوان «کلاهبرداری» بار می‌شود، که حتماً «مال متعلق به دیگری برده شود». هم‌چنین در «جرم تخریب عمدی» زمانی این عنوان بر رفتار مجرمانه بار می‌شود که «خرابی و اتلاف به بار آید». لکن در «جرم مطلق» قانونگذار صرف تحقق رکن مادی را برای تحقق جرم کافی دانسته است و برای اعمال مجازات بر مرتکب منتظر نتیجه نمی‌ماند، بنابراین صرف «نشر اکاذیب» موضوع ماده (۶۹۸) تعزیرات، اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا خیر، جرم و قابل مجازات است. یا صرف «تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر» صرف نظر از این که موجب قتل و غارت بشود یا نشود، جرم و قابل مجازات است. بنابراین در جرائم مطلق تحقق جرم منوط به وقوع نتیجه نیست. با توجه به اهمیت برقراری رابطه علت و معلولی بین رفتار مادی مجرمانه و نتیجه حاصله، باید توجه داشت که گاهی صرفاً یک عامل در وقوع نتیجه مجرمانه مؤثر است که در این صورت احراز رابطه علیت دشوار نیست، لکن زمانی که ما با بیش از یک عامل در تحقق نتیجه مجرمانه مواجه باشیم، تشخیص علت نیز با مشکل مواجه می‌شود. بنابراین چند نظریه مختلف مربوط به احراز رابطه علیت وجود دارد که آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول. نظریه شرط واجب یا شرط ضروری نتیجه

طبق این نظریه، علتی مسئول است که بدون وجود آن، نتیجه مجرمانه محقق نشود و وجود آن برای تحقق نتیجه ضروری باشد و به معنای این است که در سلسله عوامل، اولین عامل مدّ نظر قرار گیرد که اگر آن اولین عامل محقق نمی‌شد متعاقب

۱. «ماه‌های حرام» عبارتند از: مُحَرَّم، رجب، ذی القعدة و ذی الحجة

۲. «تغلیظ دیه» به این معناست که، علاوه بر دیه نفس، یک سوم دیه نیز به آن افزوده می‌گردد.

۳. «سلب حیات» به معنی پایان دادن به حیات مستقر برزیده و منتهی به مرگ وی شدن است.

آن بقیه عوامل ایجاد نمی‌شدند. پذیرش این نظریه باعث می‌شود که نتیجه مجرمانه به اولین عامل، بدون توجه به میزان تأثیر آن متناسب شود.

دوم. نظریه شرط مستقیم یا شرط بلاواسطه نتیجه

طبق این نظریه، نتیجه مجرمانه به علتی متناسب می‌شود، که به‌طور مستقیم و بلافاصله منتهی به نتیجه می‌گردد که نزدیکترین و آخرین سبب در تحقق نتیجه مجرمانه است.

سوم. نظریه شرط پویای نتیجه

طبق این نظریه، نتیجه مجرمانه به علتی که پویا و متحرک است متناسب می‌شود و عوامل ایستا و راکد با نتیجه مجرمانه، رابطه سببیت نخواهد داشت.

چهارم. نظریه شرط کافی نتیجه

طبق این نظریه، کیفیت اسباب مدّ نظر قرار می‌گیرد و براین اساس نتیجه به علتی متناسب می‌گردد که برای تحقق نتیجه مجرمانه کافی است و سایر علل جزئی از دایره انتساب نتیجه مجرمانه کنار زده می‌شود.

ب. رکن معنوی (روانی)

«رکن روانی» یکی از ارکان تشکیل‌دهنده جرم است که براساس آن نوع جرم، میزان مسئولیت جزائی و مجازات تعیین می‌شود. برای آن‌که بتوان جرمی را متناسب به شخصی دانست و او را در برابر انجام آن مجازات کرد، در ابتدا وجود یک حالت ذهنی قابل سرزنش، به همراه اراده شخص که به مرحله ظهور رسیده باشد، برای ارتکاب جرائم ضروری است. به عقیده غالب حقوقدانان قصد مجرمانه و یا یک خطای جزایی، مهم‌ترین عوامل در تشکیل و تحقق رکن روانی جرائم عمدی و غیرعمدی می‌باشند.^۱ بنابراین برای تحقق هر جرمی علی‌الاصول تا اراده نباشد آن جرم واقع نمی‌شود، اگر اراده و قصد مرتکب به فعل و نتیجه تعلق بگیرد، قصد مجرمانه و سوءنیت خواهد شد و اما اگر اراده مرتکب تنها به فعل تعلق بگیرد و نتیجه مقصودش نباشد؛ خطای کیفری خواهد شد.^۲

رکن معنوی، همان قصد و اندیشه مجرمانه مرتکب در جرائم عمدی است که شامل «سوءنیت عام» یعنی علم و عمد در ارتکاب رفتار مجرمانه است که با عباراتی همچون «عالماً و عامداً» در مواد قانونی بیان شده است و «سوءنیت خاص» یعنی قصد و انگیزه اصلی از ارتکاب جرم است که هم در جرائم مطلق و هم در جرائم مقید قابل تحقق است، لکن رکن معنوی در جرائم غیرعمدی به صورت تقصیر جزایی یعنی بی‌احتیاطی و بی‌مبالائی ظهور پیدا می‌کند.^۳ به همین خاطر است که قانونگذار در ماده (۱۴۴) ق.م.ا بیان می‌دارد که: «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آن‌ها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است (یعنی جرائم مقید)، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود. هم‌چنین طبق ماده (۱۴۵) ق.م.ا؛ «تحقق جرائم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است و طبق تبصره همین ماده، تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالائی است. مُسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالائی محسوب می‌شود».

بند چهارم - بررسی اقسام جرائم

۱. انواع جرم براساس تام یا ناقص بودن عملیات اجرایی

از این جهت که تمام مراحل ارتکاب جرم پایان یافته باشد یا این‌که بخشی از آن ناتمام بماند و یا با وجود اتمام عملیات اجرایی در جرم، نتیجه موردنظر مرتکب محقق نشود، جرائم به جرم تام و جرم ناقص تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. نعمت‌پذیرا و دیگران، «بررسی رکن معنوی در جرائم غیرعمدی با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره ۴، ص ۶۰.

۲. دکتر عباس زراعت، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. دکتر محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۳۳۶.

ب. توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی (ماده ۵۱۷ تعزیرات)؛

پ. نقض آزادی‌های مشروع دیگران و یا ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی. (جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰)؛

ت. جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛

ث. نشر اکاذیب؛

پ. جرم نظامی

«جرم نظامی» به جرمی اطلاق می‌گردد که از سوی نظامیان، به مناسبت انجام وظیفه نظامی صورت گیرد، بنابراین رفتار مجرمانه باید دو ویژگی داشته باشد:

ویژگی اول، مربوط به شخصیت حقوقی مرتکب جرم است، بدین معنا که باید فاعل و انجام دهنده جرم از اعضای نیروهای مسلح باشد.

ویژگی دوم، مربوط به شرایطی است که در آن شرایط و اوضاع و احوال جرم واقع می‌شود و جرم باید از جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی باشد.

نکته قابل توجه این است که طبق تبصره (۳) ماده (۵۹۷) ق.آ.د.ک، رهایی از خدمت نظامی مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

۶. انواع جرم بر اساس قابلیت مشاهده جرم

در یک تقسیم‌بندی براساس این که رفتار مادی در زمان ارتکاب، در محلی باشد که قابلیت مشاهده برای افراد وجود داشته باشد یا خیر، یعنی از نظر مدت فاصله زمانی، میان وقوع جرم و کشف جرم، به دو دسته جرم مشهود و غیر مشهود تقسیم می‌شود^۱ که عبارت است از:

الف. جرم مشهود

«جرم مشهود» به جرمی گفته می‌شود که آثار و ادله جرم، هنگامی که در شرف وقوع بوده و یا زمان اندکی از وقوع آن گذشته باشد، قابل مشاهده و معاینه باشد و با توجه به ماده (۴۵) ق.آ.د.ک که مصادیق جرائم مشهود را احصاء نموده است، جرم مشهود جرمی است که یا «در همان حین ارتکاب جرم، مشاهده شده است» یا «بلافاصله پس از آن» به طریق کشف یا اعلام گردیده است؛ طبق این ماده جرم در موارد زیر مشهود است:

۱. در مرنی و منظر ضابطان دادگستری^۲ واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

۲. بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

۳. بلافاصله پس از وقوع جرم، علانم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یاد شده به متهم محرز گردد.

۴. متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

۵. جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

۱. دکتر علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، ص ۹۰.

۲. طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علانم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.